

کیهان این قتل را با قتل مجید شریف در سال ۱۳۷۷ مشابه دانسته اما جمهوری اسلامی آن را یادآور قتل داریوش فروهر و همسرش خوانده است.

در یادداشت دو روزنامه کیهان و جمهوری اسلامی عنوان شد:



آقای مهرجویی سال گذشته که برخی هنرمندان برای حمایت از اغتشاشات، تحت فشار شدید و تهدید و تطمیع برخی محافظ مافیایی غرب‌گرا قرار داشتند سفری به خارج از کشور داشت و طبعاً مورد فشار بیشتری بود؛ او با این حال، هم در خیابان و هم در نشست رسانه‌ای به خبرنگاران رسانه‌های صهیونیستی (ضدایرانی) که با اصرار و پرده‌ری می‌خواستند از او علیه جمهوری اسلامی موضع بگیرند به شدت و با قاطعیت اعتراض کرد و آن‌ها را ناکام گذاشت.

به گزارش اسپادانا خبر، روزنامه کیهان در یادداشتی نوشته است: یکی از کشته شدگان قتل‌های زنجیره‌ای سال ۱۳۷۷ نیز شخصی بنام مجید شریف بود. او بورسیه اعزامی دانشگاه شریف به فرانسه بود. مجید شریف مواضع ضد صهیونیستی داشت و دو کتاب روزه گارودی، دانشمند ضد صهیونیست فرانسوی به نام‌های «اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل» و «تاریخ یک ارتداد» را به فارسی ترجمه کرده بود. مرحوم روزه گارودی که دبیرکل حزب کمونیست فرانسه بود به اسلام گرویده بود و به جرم انکار مستند افسانه هولوکاست در فرانسه زندانی شده بود. مجید شریف مترجم دو کتاب او در جریان قتل‌های زنجیره‌ای به قتل می‌رسد. آیا مسئولان محترم امنیتی و اطلاعاتی کشور میان قتل مرحوم مهرجویی که رسانه‌های صهیونیستی را با قاطعیت رانده بود و مورد مشابه آن یعنی قتل مرحوم مجید شریف تشابهی نمی‌بینند؟!

درباره ماجرای قتل مرحوم مهرجویی و همسرش در ویلای شخصی‌شان در کرج باید توجه داشت این جنایت، درست هنگامی اتفاق افتاده که تحولات مهمی در عرصه سیاسی و امنیتی منطقه در حال وقوع است و طبیعتاً توجه مردم و مسئولان باید روی این مسئله مهم متمرکز باشد. ماجرای جنگ مقاومت غزه- اسرائیل، یک جنگ معمولی نیست. بلکه بخشی از تحولات مربوط به گذار از نظم جهانی کهنه به نظم عادلانه‌تر و متکثرتر است. طرف پازنده این تحولات که منطقه‌ای وسیع از تایوان در شرق آسیا تا اوکراین در شرق اروپا، و فلسطین و سوریه و لبنان در غرب آسیا را شامل می‌شود، جز آمریکا و اسرائیل و انگلیس نیست. مأموریت پیوسته محافل وابسته به این دولت‌ها برهم زدن تمرکز و توجه ایران به عنوان بازیگر تعیین‌کننده در تحولات نظم جهانی از طریق مسئله‌سازی یا موج سواری روی مسائل و رویدادهایی است که اتفاق می‌افتد. از این زاویه نگاه می‌توان به ردیابی جریان رسانه‌ای آلوده‌ای پرداخت که همواره در هر رویداد ناگواری، طبق خواسته موساد و سیا و ۶ MI رفتار می‌کند. آن‌ها نه فقط معارض جمهوری اسلامی بلکه دشمن ایران هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی نیز در یادداشتی قتل داریوش مهرجویی را یادآور قتل‌های زنجیره‌ای دانسته و نوشته است:

قتل داریوش مهرجویی و همسر او با هر انگیزه و توسط هرکس و هر جریان صورت گرفته باشد، اولاً محکوم است و ثانیاً مسئولیت دولت را برای حفاظت از جان شهروندان سنگین‌تر می‌کند. انتشار خبر قتل داریوش مهرجویی و همسرش، ذهن‌ها را بلافاصله متوجه ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای در دهه 70 کرد به ویژه قتل مظلومانه داریوش فروهر و همسرش که آن مجموعه

قتل‌ها تبعات سنگینی به بار آوردند. اکنون با پندآموزی از قتل‌های زنجیره‌ای و پیامدهای ناگوار آن مسئولان باید اقدامات فوری، جدی و دامن‌داری برای ریشه‌یابی ماجرای اخیر به عمل آورند و تا سوزاندن ریشه این فساد به اقدامات خود ادامه دهند. حتی اگر تمام شواهد نشان دهنده این باشند که قاتل یا قاتلان در پی سرقت بوده‌اند و این قتل‌ها را برای کنار زدن مانع از سر راهشان مرتکب شده باشند، نباید از این احتمال غفلت شود که سرقت می‌تواند یک پوشش برای هدف اصلی باشد و یک جریان برنامه‌ریز با چند واسطه به این ظاهرسازی متوسل شده باشد. تا زمانی که تمام جزئیات پشت پرده ماجرا روشن نشود نباید به تحقیقات پایان داد.

برچسب‌ها: [سینما](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

[حوادث](#) [3]